

# بررسی اثربخشی برنامه درسی مصوب رسته انتظامی، از نظر میزان انطباق محتوا با وظایف شغلی و رویکرد پلیس جامعه‌محور

عباسی بختیار<sup>۱</sup>، عفت عباسی<sup>۲</sup>، مجید علی عسکری<sup>۳</sup>، غلامرضا حاج حسین‌نژاد<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۰۷

از صفحه ۵۳ تا ۸۶

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال هفتم،  
شماره سوم (پیاپی بیست و هفتم)، پاییز ۱۳۹۳

## چکیده

نیروی انسانی کارآمد و ماهر یکی از سرمایه‌های اصلی هر سازمانی است، زیرا وصول به اهداف سازمانی را آسان‌تر می‌کند. لازمه تربیت نیروی انسانی کارآمد و ماهر، تدوین نظام آموزشی و درسی پویا و اثربخش است، به طوری که انجام وظایف شغلی مطلوب را با رویکرد جامعه‌محوری در سازمان پلیس میسر می‌سازد. هدف اصلی پژوهش حاضر، آگاهی از میزان اثربخشی برنامه درسی مصوب رسته انتظامی از نظر میزان انطباق محتوا با وظایف شغل و رویکرد پلیس جامعه‌محور است. روش تحقیق حاضر، توصیفی - زمینه‌یابی است و جامعه آماری تحقیق شامل؛ کلیه دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی ۱۶-۱۵-۱۴ پیوسته انتظامی - گرایش عملیات انتظامی که در سال‌های ۸۶-۸۵ تحصیل خود را به پایان رسانده‌اند و در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها و واحدهای انتظامی خدمت می‌کنند، است که به صورت تمام شمار انتخاب شده‌اند. همچنین رؤسا و فرماندهان این دانش‌آموختگان، جامعه آماری دوم این پژوهش می‌باشند. ابزار جمع‌آوری داده‌های تحقیق، پرسش‌نامه محقق ساخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که محتوای حیطه روانی - حرکتی و شناختی برنامه درسی رسته انتظامی - گرایش عملیات انتظامی در حد متوسط به بالا با وظایف شغلی دانش‌آموختگان انطباق دارد. اما محتوای برنامه درسی با رویکرد پلیس جامعه‌محور (مشارکت و ارتباطات اجتماعی) منطبق نیست و با رویکرد حل مسأله در حد متوسط به پایین انطباق دارد. همچنین فرماندهان و رؤسا نسبت به دانش‌آموختگان دیدگاه مساعدتری به محتوای برنامه درسی دارند. تأکید رسته انتظامی بر انجام وظایف شغلی است.

## کلید واژه‌ها

اثربخشی، برنامه درسی، محتوا، وظایف شغلی، پلیس جامعه‌محور، برنامه‌ریزی درسی.

۱- استادیار برنامه ریزی درسی دانشگاه علوم انتظامی. نویسنده مسئول: (eyesa42@yahoo.com)

۲- استادیار برنامه ریزی درسی دانشگاه خوارزمی

۳- دانشیار برنامه ریزی درسی دانشگاه خوارزمی

۴- دانشیار برنامه ریزی درسی دانشگاه خوارزمی

نیروی انسانی کارآمد و ماهر یکی از سرمایه‌های اصلی هر سازمانی است، زیرا وصول به اهداف سازمانی را آسان‌تر می‌کند. اثربخشی به عنوان میزان یا حدی که هر یک سازمان اهدافش را محقق می‌سازد، تعریف شده است (رابینز،<sup>۱</sup> ۱۳۸۸، ص ۴۸). دانشگاه علوم انتظامی تنها مؤسسه آموزش عالی نیروی انتظامی کشور است که وظیفه تربیت و آموزش نیروی انسانی را به عهده دارد. لازمه تربیت نیروی انسانی کارآمد و ماهر تدوین نظام آموزشی و درسی پویا و اثربخش است. برای طراحی چنین نظامی توجه دقیق به اهداف و شرح وظایف سازمانی ناجا ضروری است. در راستای نیل به اهداف استقرار نظم و امنیت در جامعه، دانشگاه علوم انتظامی امین رشته‌های مختلفی را طبق ضوابط و استانداردهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طراحی کرده است که یکی از این رشته‌های مهم آن، دوره کارشناسی انتظامی - گرایش عملیات انتظامی می‌باشد. دانش‌آموختگان این دوره اغلب در کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی خدمت می‌کنند و در ارتباط مستقیم با افراد جامعه می‌باشند، بنابراین کارآمدی و آشنایی دقیق آنها با وظایف شغلی در رضایت‌مندی افراد جامعه تأثیر بسزایی دارد. برنامه درسی عناصر بسیاری از قبیل؛ اهداف، روش‌ها، محتوا، ارزشیابی، تجارب یادگیری، مواد و منابع، راهبردهای تدریس، گروه‌بندی، زمان، فضا و... است و برنامه درسی دانشگاه علوم انتظامی امین نیز از این عناصر مستثنی نیست.

یکی از محققان برنامه درسی به نام زایس،<sup>۲</sup> بیست و یک تعریف برنامه درسی را مورد مطالعه قرار داد و سعی کرد عناصر مشترک موجود و دفعات تکرار آنها را در این تعاریف به دست آورد، وی در این تحقیق مشخص کرد که چهار عنصر؛ اهداف، محتوا، روش‌ها و ارزشیابی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند (نوروززاده و فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷، ص ۸۱). محتوا مفهوم وسیعی است که شامل دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های مرتبط با درس و تجربه در نگرش‌های مرتبط با درس و تجربه‌های فکری دانشجویان و مدرسان آنها در یک درس می‌شود. محتوا باید فراهم‌کننده انواع تجربه‌های نظری و عملی لازم برای کسب مجوز ورود به حرفه و تداوم حضور در آن باشد و به اخلاق

1 - Robbins

2 - Zais

حرفه‌ای (شغلی) توجه داشته باشد (نصر و همکاران، ۱۳۸۶). با توجه به شرایط و ویژگی‌های حرفه‌ای خاص نظام برنامه درسی دانشگاه علوم انتظامی امین و مطالعات اشاره شده در یک تحقیق جامع‌تر چهار عنصر؛ اهداف، محتوا، تجارب یادگیری و ارزشیابی برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی و میزان انطباق آن با وظایف شغلی و رویکرد پلیس جامعه‌محور مورد پژوهش قرار گرفت، اما با توجه به گستردگی موضوع در این مقاله فقط نتایج مربوط به محتوا و ادبیات آن ذکر می‌شود. عناصر انتخابی مذکور با الگوی فرآیندی یا کنش متقابل کر<sup>۱</sup> (۱۹۶۸) منطبق است. این الگو شامل چهار مرحله اساسی؛ ۱- تعیین هدف‌های برنامه درسی، ۲- انتخاب و سازماندهی محتوا، ۳- گزینش و سازماندهی تجارب یادگیری و ۴- ارزشیابی برنامه درسی است (نوروززاده و فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷). این الگو مبنای اصلی ادبیات نظری عناصر برنامه درسی (محتوا) در این تحقیق می‌باشد. از طرفی با توجه به تغییرات و تحولات سریع در بخش‌های فناوری، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی، تقاضاهای جدیدی مبنی بر توجه به خواسته‌های اجتماعی و جامعه‌گرایی پلیس مطرح است که پلیس نیز به نوبه خود موظف به پاسخگویی به آن است. یکی از این نگرش‌ها که در دهه ۹۰ میلادی شروع شده است، توجه به رویکرد پلیس جامعه‌گرا یا جامعه‌محور است که مؤلفه‌های اصلی آن همکاری بین افراد پلیس و جامعه و رویکرد حل مسئله در حل مسائل انتظامی است. سازمان‌ها و نهادها در هر جامعه‌ای براساس اهداف و مأموریت‌هایی تشکیل می‌شوند و این اهداف باید در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای افراد آن جامعه باشد. سازمان‌های انتظامی نیز از این قاعده مستثناء نیستند. هدف آنها حفظ نظم و امنیت آحاد افراد جامعه و پیشگیری از وقوع جرایم است. هر سازمانی برای اجرای اهداف و مأموریت‌های خود علاوه بر منابع مادی و کالبدی به نیروی انسانی کارآمد و متخصص نیاز دارد. در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تربیت و آموزش نیروی انسانی در سطح آموزش عالی به عهده دانشگاه علوم انتظامی امین است و یکی از رشته‌های دانشگاه علوم انتظامی، دوره کارشناسی انتظامی با گرایش عملیات انتظامی، خدمات انتظامی و عملیات ویژه می‌باشد. هدف دوره مذکور؛ تربیت افسران متعهد با دانش، بینش و مهارت لازم در زمینه‌های مختلف مأموریت‌های انتظامی بر مبنای شرح شغل در سطح

1 - Kerr



کارشناسی است. دانش آموختگان با گرایش عملیات انتظامی این رشته که هدف این تحقیق هستند، می‌بایست با تصدی مشاغل نظیر؛ افسر گشت انتظامی، افسر ارجاع، فرمانده پاسگاه، رئیس مرکز فرماندهی و سایر مشاغل انتظامی وظایف مربوط به استقرار نظم و امنیت را به عهده می‌گیرند (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۴). ضرورت و اهمیت انجام پژوهش حاضر را می‌توان در سه بعد به شرح زیر تبیین کرد:

**الف) بُعد فردی:** شغل پلیسی از جمله مشاغل است که با فشار و استرس زیادی همراه است، چون این قبیل کارکنان اغلب با وقایع ناخوشایندی از قبیل؛ قتل، تجاوز، گروگان‌گیری و... مواجه هستند، بنابراین تدوین برنامه‌های درسی مناسب از طریق محتوای شغلی کاربردی و مورد نیاز تا حد زیادی استرس آنها را از منظر انجام وظایف فردی کاهش می‌دهد و این از طریق بررسی اثربخشی این برنامه‌ها میسر است. هم‌چنین این موضوع باعث حذف آسیب‌های روانی، جسمانی و... می‌شود.

**ب) بُعد سازمانی:** در سند راهبردی دانشگاه علوم انتظامی امین یکی از اهداف راهبردی دانشگاه، پایش اثربخشی آموزش‌ها است. نظارت و ارزیابی مراحل مختلف آموزشی به ویژه ارزیابی عوامل موثر بر کیفیت آموزش و باز طراحی برنامه‌های درسی، آموزشی و تربیتی از ضروریات رسیدن به یک دانشگاه اثربخش می‌باشد (معاونت طرح برنامه و بودجه دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۹۲، ص ۳۰). به‌علاوه در اساسنامه دانشگاه علوم انتظامی امین، «تعبیه و تدوین و بهینه‌سازی و بازنگری منظم و ارتقاء سطح کیفی محتوای آموزشی، اصلاح مداوم محتوای آموزشی با رویکرد تحولی به نحوی که محتوای درسی آموزشی ناجا متناسب با نیاز علمی یگان‌ها باشد، پیش‌بینی شده است.» (ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۸۷، ص ۴۵) که این امر بیانگر اهمیت موضوع است، بنابراین بخشی از این اصلاح و بازنگری از طریق انجام این پژوهش به دست می‌آید.

**ج) بعد اجتماعی:** پیامد نهایی کار نیروی انتظامی را می‌توان در میزان رضایت مردم جامعه مشاهده کرد. چنانچه افسران دانش آموخته دانشگاه علوم انتظامی امین برنامه‌های درسی و آموزشی خود را به درستی فرا گرفته باشند و بتوانند وظایف شغلی خود را به نحو مطلوب انجام دهند، وصول به اهداف ناجا که همان حفظ نظم و امنیت و پیشگیری از وقوع جرایم است، تحقق یافته و این کار میسر نمی‌گردد مگر اینکه اثربخشی برنامه‌های درسی و آموزشی به عنوان یک فرآیند به صورت مستمر انجام

گیرد. از طرفی «مأموران پلیس جامعه‌محور در حوزه استحقاقی خود نیاز به استقرار سطح خاصی از صداقت و پذیرش در میان مردم دارند و از آنها انتظار می‌رود برای پیشگیری از وقوع جرایم و حفظ نظم به غیر از صرفاً دستگیری و بازداشت مجرمان، از راهبردهای دیگر هم استفاده نمایند. آنها باید با اعمال حداقل نظارت، قابلیت اجرایی مؤثری داشته باشند.» (چو، ۱۳۸۵).

در یک جمع‌بندی کلی، برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی گرایش عملیات انتظامی باید دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز انجام وظایف شغلی افسران آینده را تأمین کند. برنامه درسی مورد نظر در این تحقیق عبارت است از؛ یک سند مکتوب که در بردارنده مجموعه تصمیم‌هایی است که در خصوص برنامه درسی - قبل از آنکه به مورد اجرا گذاشته شود - گرفته می‌شود (مهرمحمدی، ۱۳۸۳). این سند در دانشگاه علوم انتظامی امین تحت عنوان؛ «مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی انتظامی» در تاریخ ۸۴/۸/۲۱ به تصویب شورای گسترش آموزش عالی رسیده است. هدف اصلی این تحقیق ارزیابی انطباق محتوای برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی با وظایف شغلی و رویکرد پلیس جامعه‌محور است. بنابراین مسئله اصلی این تحقیق این است که برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی مصوب از نظر میزان انطباق محتوای برنامه درسی با وظایف شغلی و رویکرد پلیس جامعه‌محور تا چه حد اثربخش است؟

### پیشینه تحقیق

- حاجی مقصود (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی اثربخشی برنامه‌های آموزشی (دروس تخصصی) در عملکرد دانشجویان از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ناپیوسته دانشکده پلیس راهور» عنوان کرده است که ماهیت دورس ارائه شده در دانشکده پلیس راهور ارتباط کاملاً مستقیمی با مسائل و مشکلات شغلی دانشجویان دارد. لذا زمانی که افراد این دروس را می‌گذرانند و در دوره کارورزی مباحث نظری را در عرصه عمل تجربه می‌کنند با توجه به آموخته‌های قبلی خویش به حل آن می‌پردازند. بنابراین با کمترین استرس و اضطرابی و با علم به موضوع راه کارهای مناسب را به مرحله اجرا درمی‌آورند.



- زمانی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی اثربخشی برنامه‌های آموزشی در عملکرد دانشجویان دانشکده پلیس انتظامی» به همان نتایج تحقیق حاجی مقصود (۱۳۸۵) دست یافته است با این تفاوت که این تحقیق در رسته انتظامی بوده است.
- تیموری (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان «بررسی اثربخشی دوره‌های کارورزی کارشناسی ناجا بر فعالیت‌های فارغ التحصیلان دوره‌های کارشناسی» به این نتایج رسیده است که رابطه معنی‌داری بین برنامه‌های دوره کارورزی با کاهش تعداد مراجعات فارغ التحصیلان به مافوق آن‌ها برای مشکلات وجود ندارد و برنامه‌های دوره کارورزی با وظایف و مسئولیت‌های آنی فارغ التحصیلان ارتباط ندارد اما بر میزان اطاعت، بهبود روابط شغلی، بهبود ارتباط با ارباب رجوع و اعتماد به نفس و... تأثیر دارد.
- لورویگو و روزنوم<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) پس از بررسی و خلاصه کردن دوازده مطالعه انجام شده در مورد تأثیرات رویکرد پلیس جامعه‌محور به این نتایج دست یافتند؛ رضایت شغلی، بهبود روابط با اعضای محله و انتظارات مربوط به مشارکت محله در حل مشکل. هم چنین بررسی‌های انجام شده توسط متخصصان در زمینه تأثیر طرح پلیس جامعه‌محور در کاهش جرم، ترس و بی‌نظمی در بهترین شرایط مبهم و در بدترین شرایط، بدبینانه به نظر می‌رسد. با وجود این، پژوهش موجود نشان می‌دهد که وقتی پلیس به نحو گسترده‌تر با مردم مشارکت می‌کند، میزان ترس شهروندان کاهش می‌یابد، به علاوه وقتی پلیس قادر است بین شهروندان و مجرمان مشروعیت بیشتری کسب کند، بنابر شواهد غیر تجربی، احتمال وقوع جرم کمتر می‌شود (به نقل از ویزبرد و براگا، ۱۳۸۸).
- گولد<sup>۳</sup> (۱۹۷۷) مقاله‌ای بر اساس مطالعاتی که به ارزیابی نظرات ۱۵۱ افسر پلیس شامل دانشجویان دانشکده افسری و افسران باتجربه، در خصوص واحد درس تنوع فرهنگی می‌پردازد را منتشر کرد. یافته‌های این مطالعه بیانگر این است که دانشجویان افسری عموماً نظر مساعدتری راجع به دوره درسی داشتند و بیش از افسران باتجربه‌تر به

1-Lurrgio & Rosenbaum

2- Weisburd & Braga

3- Gouhd

مفید بودن این واحد درسی و اطلاعات موجود در آن و مفید بودن آن برای افسران پلیس اعتقاد دارند. افسران باتجربه اعتقاد داشتند که گذراندن این دوره [واحد درسی] باعث اتلاف وقت بوده است (نقل از هابر فیلد<sup>۱</sup>، ۱۳۸۶).

### چارچوب نظری

مبانی نظری حوزه برنامه درسی، وظایف شغلی و رویکرد پلیس جامعه محور بسیار گسترده است و در اینجا به اقتضای موضوع خلاصه‌ای از کلیات برنامه‌ریزی درسی، محتوای برنامه درسی، ساختار محتوای برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی، پلیس جامعه‌محور و ابعاد آن و الگوی اثربخشی برنامه درسی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

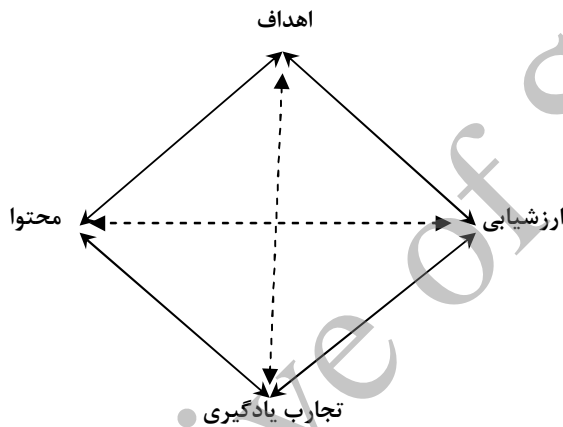
**الف) کلیات برنامه درسی:** صاحب‌نظران برنامه درسی تعاریف مختلفی برای برنامه درسی ذکر کرده‌اند و این تعدد تعاریف ناشی از جهان بینی و نظریه‌های برنامه درسی آنان است. بعضی از آنان برنامه درسی را مجموعه‌ای از صلاحیت‌هایی فرض کرده‌اند که به صورت مجموعه‌ای از وظایف مجزا است و ضمن بیان آنها به صورت عینی و رفتاری، یادگیرندگان باید بدان تسلط یابند، این نوع برداشت به ویژه در دوره‌های فنی-حرفه‌ای، کارآموزی، صنعت و تجارت و امر نظامی متداول است (نوروززاده و فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷، ص ۵۰). در تعریف دیگری برنامه درسی را می‌توان یک سند مکتوب در نظر گرفت که در بردارنده مجموعه‌ای از تصمیم‌هایی است که در خصوص برنامه درسی - پیش از آنکه اجرا شود - گرفته می‌شود. همچنین برنامه درسی را می‌توان یک حوزه تخصصی یا علمی در نظر گرفت که این نیز شامل موضوعات با اجزا و ابعاد مختلفی است که متخصصان برنامه درسی برای آن برشمرده‌اند (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۴۱). برای برنامه درسی انواع و سطوح مختلفی از قبیل؛ برنامه درسی رسمی، برنامه درسی آرمانی، برنامه درسی آموزشی، برنامه درسی اجرا شده و... ذکر شده است (مک نیل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶؛ فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷؛ مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۸۷). تأکید بر هر یک از سطوح نیز به اهداف و رسالت‌های هر سازمان بستگی دارد. همچنین برای برنامه درسی مدل یا الگوهای مختلفی ارائه شده است. برخی از این

1- Haberfeld  
2- Mcneil



الگوها عبارت‌اند از؛ الگوی کر و تایلر<sup>۱</sup> (به نقل از نوروززاده و فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۷، ص ۷)، الگوی ولف (۲۰۰۶)، الگوی اولیوا<sup>۲</sup> (به نقل از شریعتمداری، ۱۳۸۷)، الگوی ملکی (۱۳۷۹) و الگوی کلاین<sup>۳</sup> (۱۳۶۹).

در این مقاله الگوی کر مبنای نظری ادبیات تحقیق می‌باشد، اما فقط نتایج مربوط به میزان انطباق محتوا با وظایف شغلی و رویکرد پلیس جامعه‌محور در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. عناصر الگوی مذکور در شکل زیر ترسیم شده است. در مجموع عناصر، اهداف، محتوا، تجارب یادگیری و ارزشیابی در اکثر دیدگاه‌ها مشترک است.



نمودار ۱: الگوی برنامه‌ریزی درسی فرآیندی یا کنش متقابل کر (نقل از نوروززاده و فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۲، ص ۱۶۹).

ب) برنامه‌ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی: عبارت است از تحلیل وضع موجود و تدوین ایده‌ای از آنچه باید باشد، همراه با برنامه‌هایی برای چگونگی رسیدن به آن ایده با یک راهبرد سازمانی واقع بینانه متمرکز شده بر آنچه باید آینده شبیه به آن باشد، برنامه‌ریزی راهبردی نقشه راهی برای دستیابی به آن آینده رضایت بخش فراهم می‌کند (دیلی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲، ص ۳۱). یکی از الگوهای عمومی و مناسب برای همه اجزاء عناصر آموزش عالی از جمله برنامه‌های درسی الگوی مارک سی. هال<sup>۵</sup> و کوبین ام. الیوت<sup>۱</sup>

1- Tyler  
2- Oliva  
3- Klein  
4 - Daley  
5 - Markc. Hall



است که از پنج بخش اصلی به این شرح تشکیل شده است؛ ۱- تجزیه و تحلیل موقعیت راهبردی، ۲- تدوین و تحلیل رسالت و اهداف ویژه، ۳- تدوین و تحلیل شق‌های راهبردی، ۴- انتخاب و اجرای شق‌های راهبردی و ۵- ارزشیابی (عارفی، ۱۳۸۴، ص ۳۶).

• **تعریف محتوا:** محتوا عبارت است از مجموعه مفاهیم، مهارت‌ها و گرایش‌هایی که از سوی برنامه ریزان انتخاب و سازماندهی می‌شود. در عین حال محتوای آثار حاصل از فعالیت‌های یادگیری، یاددهی معلم و شاگرد را نیز در بر می‌گیرد (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۶۴). محتوا، اصول و مفاهیمی هستند که به دانش آموزان ارائه می‌شود تا ورود آنان را به فعالیت‌های آموزشی میسر و رسیدن آنان را به هدف‌های آموزشی نهایی امکان‌پذیر سازد (شعبانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲). از تعاریف مذکور می‌توان نتیجه گرفت که محتوا عبارت است از؛ کلیه دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی که از سوی برنامه‌ریزان درسی انتخاب و سازماندهی می‌گردد، علاوه بر این کلیه تجاربی که از تعامل یادگیرنده با محیط آموزشی اعم از معلم و یادگیرندگان و... حاصل می‌گردد، جزئی از محتوا محسوب می‌شود.

• **معیارهای انتخاب محتوا:** با توجه به حجم انبوه اطلاعات، تنوع رشته‌های علمی موضوعات علمی و تغییرات پر شتاب در منسوخ شدن موضوعات قدیمی و رشد فزاینده اطلاعات و یافته‌های جدید، صاحب‌نظران برنامه درسی معیارهای مختلفی را برای انتخاب محتوای برنامه درسی ذکر کرده‌اند که تعدادی از آنها عبارت است از؛ اهمیت، اعتبار، علاقه یادگیرنده، سودمندی، قابلیت یادگیری، انعطاف‌پذیری، تناسب با هدف‌های انتخاب شده، تناسب با موضوعات و نیازهای مهم جامعه، تناسب با پیشرفت‌های علمی و فناوری، پایه بودن برای یادگیری مستمر، فرصت دادن به انواع فعالیت‌های یادگیری، کمک به رشد همه جانبه فرد و هم‌خوانی با معرفت دینی است (ملکی، ۱۳۸۸؛ موسی‌پور، ۱۳۸۲؛ لوی، ۲، ۱۳۶۹).

(ج) **ساختار محتوای برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی:** برابر مندرجات مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی انتظامی مصوب ۱۳۸۴/۸/۲۱ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، محتوای دوره مذکور یا سرفصل دروس در چهار و نه عنوان درسی



پیش‌بینی شده است. با تجمیع عنوان‌های مشابه براساس رشته‌های علمی، محتوای موضوعی و میزان ساعات دروس اصلی و تخصصی دوره کارشناسی انتظامی به شرح جدول زیر است:

جدول ۱: محتوای موضوعی دروس اصلی و تخصصی دوره کارشناسی انتظامی گرایش عملیات انتظامی

ردیف	موضوعات	تعداد واحد	ساعات آموزشی			درصد موضوع	حیطه‌ها	
			جمع کل	نظری	عملی		شناختی	روانی-حرکتی
۱	انتظامی	۴۱	۸۰۰	۵۶۰	۲۴۰	۵۰/۵٪	×	×
۲	حقوق	۱۸	۲۸۸	۲۸۸	-	۱۸/۱٪	×	-
۳	کارورزی	۳	۱۹۲	-	۱۹۲	۱۲/۱٪	-	×
۴	علوم اجتماعی	۶	۹۶	۹۶	-	۶٪	×	-
۵	روانشناسی	۴	۶۴	۶۴	-	۴٪	×	-
۶	زبان تخصصی	۳	۴۸	۴۸	-	۳٪	×	-
۷	جغرافیا	۲	۳۲	۳۲	-	۲٪	×	-
۸	روش تحقیق	۲	۳۲	۳۲	-	۲٪	×	-
۹	پزشکی قانونی	۲	۳۲	۳۲	-	۲٪	×	-
	جمع کل	۸۱	۱۵۸۴	۱۱۵۲	۴۳۲	۱۰۰٪		

در ارتباط با مفاد جدول مذکور توضیح موارد زیر ضروری است:

۱- برای طبقه بندی محتوا در حیطه شناختی و روانی - حرکتی از طبقه بندی بلوم<sup>۱</sup> (سیف، ۱۳۷۹) و معیارهای زیر استفاده شده است:

• حیطه شناختی:

- ۱-۱- ابلاغ نظری بودن اهداف و محتوای درسی از نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۲-۱- قرار داشتن اهداف و محتوا در یکی از سطوح شش گانه شناختی (دانش، فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی).
- ۳-۱- وجود یکی از افعال سطوح مذکور در بیان اهداف و محتوا.

• حیطه روانی - حرکتی:

- ۱-۱- ابلاغ عملی بودن اهداف و محتوا از نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری حداقل به میزان ۷۵ درصد ساعات آموزش.

1 - Bloom

۲-۱- قرار داشتن اهداف در یکی از سطوح پنج‌گانه روانی - حرکتی (مشاهده و تقلید، اجرای عمل، دقت در عمل، هماهنگی حرکات و عادی شدن عمل).

۳-۱- وجود یکی از افعال سطوح پنج‌گانه مذکور در بیان اهداف و محتوا.

۲- در مجموع ۱۱۵۲ ساعات آموزش یعنی معادل ۷۲ درصد دروس نظری و ۴۳۲ ساعت معادل ۲۸ درصد عملی می‌باشد. این ارقام نشان دهنده این است که جهت‌گیری برنامه نظری و شناختی می‌باشد.

۳- رئوس محتوای اصلی و تخصصی دوره کارشناسی انتظامی شامل موضوعات: انتظامی، حقوقی، کارورزی، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، زبان تخصصی، جغرافیا، روش تحقیق و پزشکی قانونی است.

۴- در رابطه با معیارهای انتخاب محتوا، با توجه به اینکه هدف دوره کسب دانش، مهارت و بینش برای انجام وظایف شغلی است بیشتر بر عوامل اعتبار، اهمیت، تناسب با هدف های انتخاب شده به ویژه تناسب با نیازهای مهم جامعه و سازمان یا سودمندی تأکید شده است. همچنین از لحاظ سازماندهی محتوا بیشتر ترکیبی و موضوع محور است چون بر وظایف شغلی تأکید دارد.

د) رویکرد پلیس جامعه‌محور! در جهان متغیر امروز، سازمان‌های انتظامی باید پیوسته آموزش و کارآموزی افسران را با تقاضاها و انتظارات دولت و شهروندان کشورها سازگار کنند. افزون بر آماده کردن افسران برای حفاظت شهروندان از مشکلاتی که از جوامع خودشان ریشه می‌گیرد، پلیس باید برای اقدام متقابل و واکنش به تهدیدهایی که بیرون از مرزها به علت تروریسم و جرایم سازمان یافته ایجاد می‌شود برنامه‌ریزی نمایند. برای انجام این کار پلیس باید در تحقیقات بسیار پیچیده، مدیریت بحران و فنون ارتباطی آموزش ببیند (کراتکوسکی و داس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷، ص ۲۰). برای انجام وظایف مذکور اجرای برنامه‌ریزی آموزشی و درسی نظام مند در پلیس و همچنین توانایی جلب مشارکت جامعه امری ضروری به نظر می‌رسد. در مورد تعریف پلیس جامعه‌محور در روند شکل‌گیر آن، ابعاد پلیس جامعه‌محور، آموزش پلیس جامعه‌محور و تأثیر رویکرد

1- Community – Orient Policing (Cop)

2- Kratcoski & Das



پلیس جامعه‌محور بر ساختار پلیس ایران، نظرات مختلفی وجود دارد که گزیده بسیار مختصری از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**پلیس جامعه‌محور و روند شکل‌گیری آن:** پلیس جامعه‌محور در حقیقت یک جنبش توده مردم مبتنی بر یک فلسفه تازه است، جنبشی که بیان می‌کند؛ پلیس و جامعه به طور مشارکتی با هم کار می‌کنند تا بر جرم، ترس و بی‌نظمی غلبه کنند (اولیور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰، ص ۳۹). اداره امور پلیس جامعه‌گرا (جامعه‌محور) فلسفه‌ای است که بر کار کردن بازدارنده با همکاری شهروندان برای کاهش ترس از جرم، حل مشکلات مربوط به جرایم و پیشگیری از وقوع جرم تأکید می‌کند (هس و میلر<sup>۲</sup>، ۱۳۸۱، ص ۵). در تعریف دیگری، رویکرد پلیس جامعه‌محور یک فلسفه است. این رویکرد مشارکت ضابطین قانون و جامعه را در شناسایی و ریشه‌یابی آنان و پیدا کردن راه‌حلی که مشکل را به طور دائم از بین برده و یا کاهش می‌دهد، بر می‌انگیزد (ترویانوویچ و باکوروکس<sup>۳</sup>، ۱۳۸۳، ص ۳۰). مشارکت اجتماعی بین پلیس و جامعه و اتخاذ رویکرد حل مسئله در کار پلیس عناصر مشترک در تمام تعاریف مذکور می‌باشد. روند شکل‌گیری این رویکرد دارای سه دوره؛ سیاسی، اصلاحات و جامعه‌گرایی است، این دوره از دهه ۱۹۸۰ تاکنون می‌باشد. بنیاد اولیه این تفکر را سر رابرت پیل<sup>۴</sup> در سال ۱۸۲۹ پی‌ریزی و بعدها توسط دانشگاهیانی چون هرمان گلدشتاین<sup>۵</sup>، رابرت ترویانوویچ و جورج کلینگ<sup>۶</sup> و... توسعه یافت (هس و میلر، ۱۳۸۲؛ چو<sup>۷</sup>، ۱۳۸۵). برای رویکرد پلیس جامعه‌محور اصول ده‌گانه‌ای به صورت جداگانه توسط فریدمن<sup>۸</sup> و ترویانوویچ و باکوروکس ارائه شده است که بیشتر این اصول بر مشارکت میان پلیس و مردم، رویکرد حل مسئله، تمرکز زدایی و... تأکید دارد (وروایی، ۱۳۸۴؛ ترویانوویچ و باکوروکس، ۱۳۸۳).

• **ابعاد و عناصر پلیس جامعه‌محور:** پلیس جامعه‌محور دارای چهار بعد: فلسفی، راهبردی، تاکتیکی (راهکنشی) و سازمانی می‌باشد و هر یک از این ابعاد در برگیرنده

1- Oliver

2- Hess & Miller

3- Trojanowicz & Bucqueroux

4- Sir Robert Peel

5- Herman Goldstein

6- George Kellins

7- Chu

8- Fridman

عناصر ویژه‌ای هستند (ترویانوویچ و باکوروکس، ۱۳۸۳). با توجه به گستردگی موضوع، این ابعاد و عناصر آن توسط نگارنده در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول ۲: ابعاد و عناصر پلیس جامعه‌محور

ابعاد	فلسفی	راهبردی	تاکتیکی	سازمانی
عناصر	۱- تأمین ورودی از طریق شهروندان ۲- عملکرد در حوزه‌ای وسیع ۳- ارائه خدمات به صورت شخصی	۱- عملیات جهت‌گیری مجدد [تعامل رو در رو و راه حل‌های متفاوت] ۲- تأکید بر پیشگیری ۳- تمرکز جغرافیایی	۱- تعامل مثبت ۲- مشارکت ۳- حل مسئله (مشکل‌گشایی)	۱- ساختار (تجدید ساختار در سازمان پلیس) ۲- مدیریت (با تأکید بر ارزش‌ها و فرهنگ سازمانی) ۳- اطلاعات (تأکید بر کیفیت)

تمام ابعاد چهارگانه رویکرد پلیس جامعه‌محور در یک چرخه تعاملی با هم مرتبط می‌باشند. و این موضوع می‌بایست به هنگام اجرا در سازمان‌های پلیسی مدنظر قرار گیرد، اما بعد تاکتیکی آن یعنی، تعامل مثبت، مشارکت و حل مسئله ارتباط بیشتری با آموزش و برنامه درسی دارد، بنابراین در این مقاله فقط عناصر این بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. بعد تاکتیکی پلیس جامعه‌محور در نهایت نظریه‌ها، فلسفه و راهبرد را به صورت برنامه، تاکتیک و رفتارهای عینی تبدیل می‌کند. در واقع بعد تاکتیکی مجموعه‌ای از مهارت‌ها و فنون است که می‌بایست به هنگام برنامه‌ریزی درسی و آموزشی دوره کارشناسی انتظامی مدنظر قرار گیرد. با توجه به اینکه عنصر تعامل مثبت و مشارکت اجتماعی مشابهت زیادی با هم دارند. در این مقاله با هم ادغام و عناصر بعد تاکتیکی تحت عنوان دو عنصر یعنی؛ مشارکت اجتماعی و حل مسئله مورد بررسی مختصر قرار می‌گیرد.

۱- **مشارکت اجتماعی:** مشارکت اجتماعی<sup>۱</sup> اصطلاحی است که به مشارکت ساکنان محله، مدارس، اماکن مذهبی، کسبه، سازمان‌های اجتماعی، مأموران منتخب و ادارات دولتی با پلیس برای حل مسأله مهم و سرنوشت ساز اطلاق می‌شود. مشارکت اجتماعی روندی جاری و پویا است نه رویدادی خاص. همکاری مردم با پلیس جامعه‌محور فراتر از

1- Community partner Ship



کمک به پلیس از طریق اطلاع رسانی صرف است (اتکینسون<sup>۱</sup>، ۱۳۸۵، ص ۱۶-۱۴). نمونه‌هایی از فعالیت‌ها و مهارت‌های مشارکتی مورد نیاز برای پلیس جامعه‌محور به شرح زیر است:

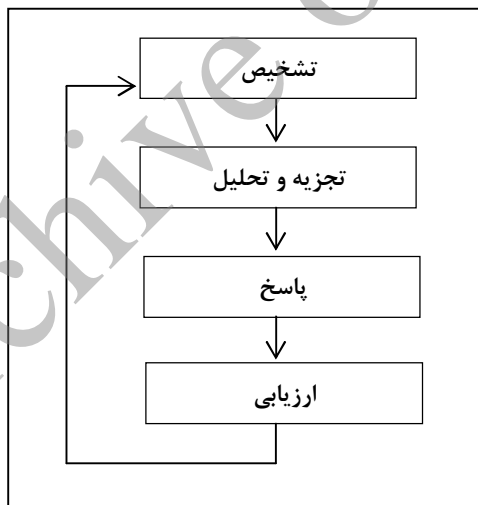
۱-۱- نزدیک به ۷۰ درصد وقت کاری و زمان خدمت مأموران پلیس در ارتباط با مردم سپری می‌شود، بنابراین تبحر در هنر ایجاد ارتباط اعم از شفاهی یا کتبی برای تمام مأمورین پلیس حیاتی است. برخوردارری از مهارت‌های مربوط به گوش دادن، برقراری ارتباط کلامی غیر شفاهی، ایجاد اعتماد و حفظ آن و... لازمه رهبری موفق هستند (میس و اورتمایر<sup>۲</sup>، ۱۳۸۵، ص ۱۹۱).

۱-۲- رفتار عادلانه و بدون تبعیض با همه افراد جامعه برای تمام کارکنان پلیس ضروری است «موضوع حیاتی در این ارتباط این است که تعیین شود چگونه می‌توان اعتماد عمومی نسبت به پلیس را به طور عموم به ویژه در ارتباط با اقلیت‌های قومی را بهبود بخشید». اگر همه افسران پلیس بر چسب نژاد پرست بگیرند، این یک تراژدی خواهد بود و در نتیجه، قربانیان نژادی جرم و خشونت، برای گزارش این گونه رویدادها به پلیس بی‌میل خواهند شد (لیشمان<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۰، ص ۳۱۷-۳۱۶).

۱-۳- درک دیگران در کار پلیس اهمیت خاصی دارد. درک دیگران به معنای دریافتن نظر آنان در تلاش برای فهم این مطلب است که دنیای آنها چه شکلی دارد. این مترادف همدلی<sup>۴</sup> است و به معنای درک دیگران است. هم‌چنین مأموران پلیس در اثر مرور زمان و تجربه می‌آموزند که چگونه پیام‌های غیر کلامی و زبان حرکات بدن [تماس چشمی، ایما و اشاره، فاصله فیزیکی، لحن و کلام و...] افراد مظنون، قربانیان و شاهدان را تفسیر کنند. این همان چیزی است که برخی آن را «حس ششم» می‌نامند (هس و میلر، ۱۳۸۲).

1- Atkinson  
2- Meese & Ortmeier  
3- Leishman  
4- Empathy

۲- حل مسئله (اداره امور پلیسی از راه حل مسئله)<sup>۱</sup>: این روش که گاهی پلیس مسئله محور<sup>۲</sup> هم نامیده می‌شود، شیوه‌ای برای بهبود اثربخشی پلیس از راه بررسی و کارروی شرایط اساسی است که باعث بروز مشکلات اجتماعی می‌شود. مسئولیت‌های پیشگیری نه تنها فراسوی نظام عدالت کیفری، بلکه روی درگیر شدن مؤسسات عمومی دیگر، اجتماع و بخش خصوصی، در شرایط عملی تأکید می‌کند (انسستیتوی پیشگیری از جرم استرالیا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). ایده پلیس مسئله محور اولین بار توسط هرمان گلدشتاین در سال ۱۹۷۹ طی مقاله‌ای با عنوان «بهبود امور پلیسی: رویکرد مسئله محور» انتشار یافت. پیشنهادهای او روی چهار مرحله اساسی تمرکز داشت که عبارت است از: ۱- شناسایی مسائل ویژه، ۲- کاوش هر مسئله با جزئیات، ۳- بسط یک پاسخ برای هر مسئله و ۴- تحلیل اثربخشی پاسخ هر مسئله. از مراحل چهارگانه فوق اغلب به عنوان الگوی سارا<sup>۴</sup> یاد می‌شود (رابنزر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵ص ۲۴). الگوی مذکور یکی از الگوهای مشهور رویکرد حل مسئله در امور انتظامی است و در کشورهای مختلفی تجربه شده است. اک و اسپلمن<sup>۶</sup> با اندکی تفاوت فرآیند چهار مرحله‌ای رویکرد حل مسئله را به شرح زیر ترسیم کرده‌اند (هس و میلر، ۱۳۸۲).



نمودار ۲: الگوی چهار مرحله‌ای حل مسئله سارا (SARA)

1- Problem-Solving Policing

2- Problem-Oriented Policing (POP)

3- Australian Institute of Criminology (AIC)

۴- مدل سارا (Sara) از حرف اول واژه‌های Scanning, Analysis, Response, Assessment گرفته شده است.

5- Rubenser

6- Eck & Spelman



نکته‌ای که در رابطه با الگوی مذکور قابل ذکر است این است که صرف کاربرد الگوی مذکور خود به خود کارساز نیست و عوامل زیادی در شکست یا موفقیت آنها دخالت دارند، از جمله؛ ویژگی‌ها، مهارت‌ها و عملکرد مدیران پروژه‌ها، منابع، حمایت و همکاری بیرونی ادارات پلیس، مستندات و پیچیدگی اجرا (اسکات<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶، ص ۹). علاوه بر این موضوع حل مسئله و مسئله محوری محدود به امور پلیسی نیست کما اینکه این موضوع در تعلیم و تربیت به مفهوم عام و در تدوین برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس توسط (مهرمحمدی، ۱۳۸۳؛ شریعتمداری، ۱۳۸۱) مورد بررسی و تأکید قرار گرفته است.

• آموزش پلیس جامعه‌محور: مؤلفان کتاب پلیس جامعه‌محور (ترویانوویچ و باکوروکس، ۱۳۸۳)، در پاسخ به این سؤال که آیا مأموران پلیس جامعه‌محور آموزش خاصی می‌بینند؟ پاسخ داده‌اند؛ بله، در آموزش پلیس جامعه‌محور معمولاً موارد زیر گنجانده می‌شود: رهبری گروه، مواجهه با شکایات شهروندان، مشکل‌گشایی (حل مسئله)، کار با سازمان‌های جامعه، پیشگیری از خشونت، مهارت‌های مورد نظر پلیس جامعه‌محوری که مؤلفان مذکور بیان داشته‌اند در پلیس حرفه‌ای نیز مدنظر است با این تفاوت که در رویکرد جامعه‌محور مرکزیت دارند. در واقع رویکرد پلیس جامعه‌محور و حرفه‌ای مکمل یکدیگر هستند. کما اینکه نویسندگان مذکور اضافه کرده‌اند که این رویکرد جایگزین رویکردهای پلیس دیگر نخواهد شد و همراه با روش دیگر کار خواهد کرد. تفاوت آن با کار پلیسی به روش استاندارد این است که رویکرد پلیس سنتی [حرفه‌ای] عمدتاً بر واکنش به جرایم پس از ارتکاب استوار است. ولی پلیس جامعه‌محور بیشتر به پیشگیری از وقوع جرم تکیه دارد. آموزش‌های مذکور می‌بایست در قالب تدوین برنامه‌های درسی مناسب ارائه شود. آموزش شیوه‌های شناسایی و تحلیل مسائل و مشکلات براساس رویکرد حل مسئله مورد تأکید مشترک بسیاری از صاحب‌نظران دیگر پلیس جامعه‌محور از جمله (ویزبرد و براگا، ۱۳۸۸؛ هس و میلر، ۱۳۸۲؛ میس و اورتمایر، ۱۳۸۵) می‌باشد. در مورد آموزش پلیس جامعه‌محور، بیرزر<sup>۲</sup> معتقد است که آموزش پلیس جامعه‌محور بایستی براساس نظریه آندراگوجی<sup>۳</sup> (آموزش بزرگسالان بر محور تعامل با یادگیرندگان) باشد. شیوه اجرای پلیس جامعه‌محور با شیوه سنتی متفاوت است. زیرا در این شیوه به افسران آزادی عمل

1- Scott

2- Birzer

3- Andragogy



داده شده است تا دامنه وظایف خود را در حد گسترده‌تری در نظر بگیرند. همچنین پلیس جامعه‌محور از افسران پلیس انتظار دارد تا مجموعه مهارت‌های جدیدی را فرا بگیرند. اورتمایر معتقد است که محیط نظامی رفتاری در اداره پلیس ممکن است موقع آموزش مهارت فنی و در انجام امور مناسب باشد، ولی در فراگیری صلاحیت‌های غیر فنی مانند حل مشکل، قضاوت و رهبری اثری نخواهد داشت. در بسیاری از محیط‌های آموزشی پلیسی روش‌های آموزشی مبتنی بر رفتار گرایی تسلط دارد و اینها مناسب رویکرد پلیس جامعه‌محور نیست (ترویانوویچ و باکوروکس، ۱۳۸۳). آموزش علوم پلیسی باید تا آنجا که ممکن است موارد زیر را فراهم کند:

۱- به کارگیری راهبرد های یادگیری تعاملی، ۲- گنجاندن تاکتیک های تئاتر تعاملی، ۳- به کارگیری تمرین های تیمی اندیشمندانه یا شبیه سازی ها و ۴- استفاده از کارگاه های میان رشته‌ای برای مربیان تخصص‌های گوناگون. با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده، روش‌های مشارکتی و روش مبتنی بر حل مسئله از محوریت برخوردار است (آکیفی<sup>۱</sup>، ۱۳۸۷، ص ۹۶-۹۵).

• تأثیر رویکرد پلیس جامعه‌محور بر ساختار پلیس جمهوری اسلامی ایران: همان طور که در مبحث ابعاد پلیس جامعه‌محور ذکر شد، این رویکرد دارای چهار بُعد؛ فلسفی، راهبردی، تاکتیکی و سازمانی است که همه این ابعاد در یک چرخه تعاملی با هم ارتباط دارند اما با توجه به ارتباط بُعد تاکتیکی (تعامل مثبت، مشارکت و حل مسأله) و مهارت‌های مربوط به آنها با آموزش و برنامه درسی فقط این بُعد مورد بررسی بیشتر قرار گرفت. موضوع تأثیر رویکرد پلیس جامعه‌محور بر ساختار پلیس ایران تقریباً با بعد سازمانی این رویکرد مرتبط می‌باشد که ارتباط کمتری با موضوع پژوهش حاضر دارد اما چون این بعد تا اندازه‌ای ساختار مشاغل را نیز در برمی‌گیرد، بنابراین در این مورد توضیح مختصری ارائه می‌شود. مؤلفه‌های بُعد سازمانی عبارتند از؛ ساختار، مدیریت و اطلاعات. پلیس جامعه‌محور راه‌های مختلف تجدید ساختار در سازمان پلیس را مورد توجه قرار می‌دهد تا بتواند اجرا و پشتیبانی از عناصر فلسفی و راهبردی و تاکتیک‌های این رویکرد را تسهیل کند. ساختار هر سازمانی باید با مأموریت آن سازمان

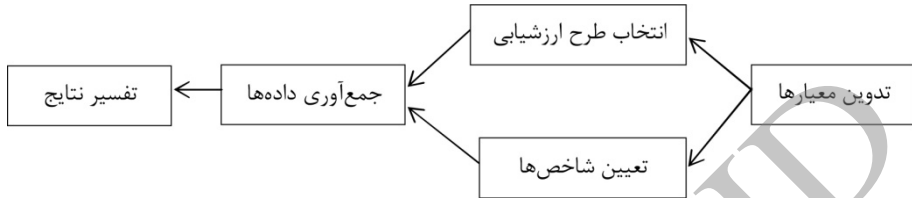


و ماهیت کاری که اعضای آن باید انجام دهند تناسب داشته باشد. بعضی از انواع مختلف تجدید ساختار ملازم پلیس جامعه‌محور عبارت است از؛ تمرکز زایی، هموارسازی، کاهش تخصص گرایی، تشکیل تیم و اجتماعی شدن است (ترویانوویچ و باکوروکس، ۱۳۸۳، ص ۵۸-۵۷).

با توجه به رویکرد پلیس جامعه‌محور و تأثیر آن در ابعاد سازمانی ناجا، اینک به ذکر چند نمونه مختصر از این تأثیرات و اقدامات پرداخته می‌شود (بیات، ۱۳۸۷): ۱- در ماده ۴ قانون ناجا و براساس بندهای ۱۹-۱۸-۱۷ نیروی انتظامی موظف گردیده است در جهت کاهش جرم با سازمان‌های ذیربط همکاری نماید. هم چنین یکی از وظایف پلیس پیشگیری تهیه و ارائه برنامه‌های آموزش همگانی و مشارکت مردمی ناجا به منظور آگاه نمودن مردم در زمینه پیشگیری از جرایم است. ۲- اصول جامعه‌محوری پلیس و تکیه بر نیروهای مردمی، بهره‌گیری از مشارکت عمومی در برقراری نظم و امنیت اجتماعی، ارائه آموزش همگانی به مردم و اطلاع رسانی مستمر و... موجب شد تا نیروی انتظامی ساختار جدیدی را طراحی و پلیس‌های تخصصی را به تدریج سازماندهی کند. معاونت اجتماعی ناجا دقیقاً با این نگرش در جهت تحقق بند ۱۸ از ماده ۴ قانون ناجا از سال ۱۳۸۷ شکل گرفت تا بتواند زمینه شکل‌گیری اهداف اجتماعی پلیس را فراهم آورد. ۳- در مورد شیوه‌های جلب مشارکت انتظامی ساکنین محلات در ایران اقداماتی از قبیل؛ طرح نظارت همگانی (تلفن ۱۹۷)، ایجاد سامانه مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰، استقرار ایستگاه‌های پلیس، برنامه مشارکتی مراکز مشاوره انتظامی، جلب مشارکت عشایر کشور، تشکیل بخش ویژه زنان در دواير قضایی و اجتماعی کلانتری‌ها، راه‌اندازی واحدهای مشاوره و مددکاری اجتماعی کلانتری‌ها انجام شده است.

نکته اساسی در رابطه با رویکرد پلیس جامعه‌محور یا اجرای هر دیدگاه دیگری در رابطه با امور پلیسی در ایران، توجه به جهان بینی، فرهنگ و ویژگی‌های بومی کشور است. نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... در کشور ما ایران بر مبنای جهان بینی اسلامی است، پس این نگرش می‌بایست در هرگونه اقتباس فرهنگی، امنیتی و اجتماعی مدنظر قرار گیرد.

الگوی ارزشیابی اثربخشی برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی: در این تحقیق برای تعیین اثربخشی برنامه درسی از الگوی ارزشیابی اسپکتر<sup>۱</sup> استفاده شده است و علت آن انطباق نسبی آن با شرایط تحقیق حاضر است. عناصر اصلی الگوی مذکور در شکل زیر ترسیم شده است.



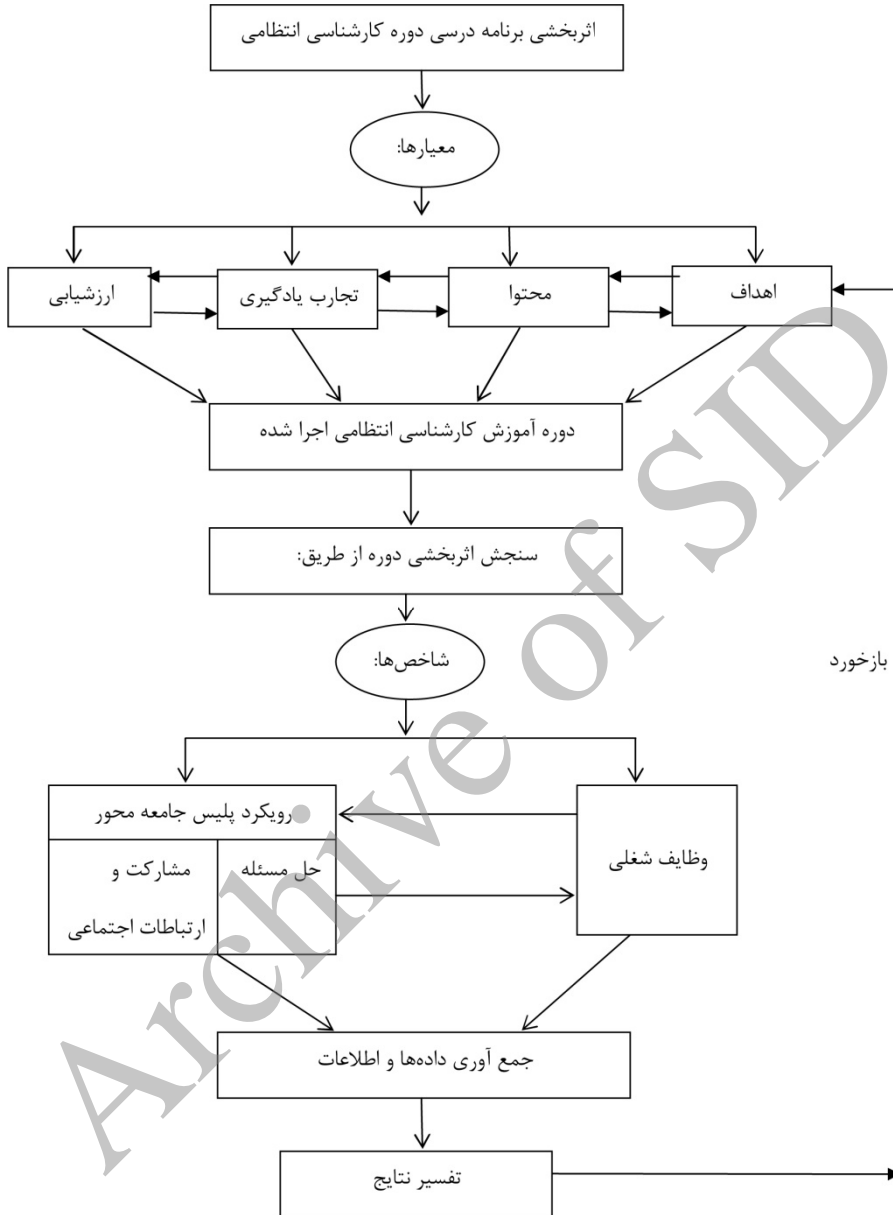
نمودار ۳: الگوی ارزشیابی اسپکتر (نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۷، ص ۱۸۹).

با توجه به توضیح ارائه شده در مورد عدم جامعیت و کاربرد مستقیم الگوها، جایگزینی عناصر این تحقیق در الگوی مذکور و تغییرات جزئی آن به شرح زیر تبیین شده است:

۱- **معیارها:** معیارها [ملاک] عبارت است از ویژگی‌هایی از نظام مورد ارزیابی که به عنوان جنبه‌های اصلی یا با اهمیت نظام برای قضاوت منظور می‌شود (بازرگان، ۱۳۸۷، ص ۳۵)، در این تحقیق عبارت از عناصر چهارگانه برنامه درسی که یعنی (اهداف، محتوا، تجارب و ارزشیابی) که در این مقاله فقط نتایج مربوط به محتوا و میزان انطباق آن با وظایف شغل و رویکرد پلیس جامعه‌محور گزارش شده است.

۲- **انتخاب طرح ارزشیابی:** از میان انواع طرح‌های ارزشیابی در تحقیق از طرح سنجش تک‌گروهی استفاده شده است چون آموزش دوره کارشناسی برای یک گروه از قبل اجرا شده است و ما درصدد بررسی اثربخشی آن هستیم.

۳- **شاخص‌ها:** شاخص‌ها یا نشانگرها ابزار اندازه‌گیری مورد استفاده در گردآوری داده‌ها برای عملکرد یک ملاک هستند که برای توصیف و درک نظام آموزشی ضروری هستند (وفادار و معبودی، ۱۳۸۵، ص ۱۶). شاخص یا نشانگر در این تحقیق عبارت است از؛ وظایف شغلی و رویکرد پلیس جامعه‌محور (حل مسئله و مشارکت و ارتباطات اجتماعی).



نمودار ۴: الگوی ارزشیابی اثر بخشی برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی بر مبنای الگوی اسپکتر

## سؤال‌های تحقیق

## الف) سؤال اصلی:

برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی مصوب از نظر میزان انطباق محتوای برنامه درسی با وظایف شغلی و رویکرد پلیس جامعه‌محور، تا چه حدی اثربخش است؟

## ب) سؤال‌های فرعی:

- ۱- برنامه درسی مصوب دوره کارشناسی انتظامی از نظر انطباق محتوای آموزشی حیطه روانی - حرکتی با وظایف شغلی، تا چه حدی اثربخش است؟
- ۲- برنامه درسی مصوب دوره کارشناسی انتظامی از نظر انطباق محتوای آموزشی حیطه شناختی با وظایف شغلی، تا چه حدی اثربخش است؟
- ۳- برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی مصوب تا چه حد، با رویکرد پلیس جامعه‌محور (مشارکت و ارتباطات اجتماعی) منطبق است؟
- ۴- برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی مصوب تا چه حد، با رویکرد پلیس جامعه‌محور (رویکرد حل مسأله) منطبق است؟
- ۵- آیا بین نظرات رؤسای کلانتری‌ها، پاسگاه‌ها و دانش‌آموختگان در مورد محتوای برنامه درسی مصوب تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

## روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش‌های کمی گردآوری داده‌ها، توصیفی - زمینه‌یابی<sup>۱</sup> است. به نظر بعضی از محققان این نوع تحقیق برای کشف و توصیف شرایط موجود یا آنچه که هست انجام می‌شود (دلاور، ۱۳۷۴ و ۱۳۸۳؛ بورگ و گال، ۱۳۸۷؛ نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۵). جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی ۱۶-۱۵-۱۴ پیوسته انتظامی - گرایش عملیات انتظامی هستند که در سال‌های ۸۶-۸۵ تحصیل خود را به پایان رسانده‌اند و در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها و سایر واحدهای مرتبط با رشته شغلی خود مشغول به خدمت هستند و تعداد



آنها ۱۱۷ نفر می‌باشد و رؤسای کلانتری‌ها و فرماندهان پاسگاه‌ها یا واحدهای انتظامی که دانش آموختگان دوره‌های کارشناسی انتظامی ۱۶-۱۵-۱۴ در آن خدمت می‌نمایند، می‌باشد و تعداد آنها ۹۱ نفر می‌باشد. با توجه به محدود بودن تعداد افراد هر دو جامعه آماری از روش سرشماری استفاده شده است. ابزار جمع آوری داده‌های این تحقیق، پرسش‌نامه محقق ساخته است.

اعتبار یا روایی پرسش‌نامه تحقیق براساس اعتبار محتوا و از طریق نظر متخصصان موضوعی به دست آمده است. پس از تعیین هدف و مؤلفه‌های اصلی و فرعی و گویه‌های مرتبط با سؤال‌های پژوهش، پرسش‌نامه‌های اولیه با نظر اساتید راهنما و مشاور تدوین و پس از ویرایش و اصلاح‌های لازم نسخه نهایی آن برای تعیین اعتبار محتوایی به ۱۱ نفر از متخصصان موضوعی برنامه‌ریزی درسی و انتظامی در دسترس تهران ارائه شد. پس از اخذ نظرات متخصصان مذکور با راهنمایی اساتید محترم راهنما و مشاور اصلاحات لازم شامل حذف و اضافه محتوایی بعضی از سؤالات انجام و پرسش‌نامه نهایی تدوین شد. برای تعیین پایایی یا اعتماد پرسش‌نامه‌های تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ، استفاده شده است که نتایج آن عبارت است از: پرسش‌نامه شماره دو ۹۷ درصد، پرسش‌نامه شماره سه ۹۷ درصد و پرسش‌نامه شماره چهار ۸۶ درصد است که ضریب آنها در حد قابل قبولی می‌باشد.

### یافته های تحقیق

#### الف) نتایج توصیفی جمعیت شناسی:

- از مجموع ۱۱۷ نفر جامعه آماری دانش آموختگان ۹۷ نفر معادل ۸۲/۹۱ درصد به پرسشنامه‌های ارسالی پاسخ داده‌اند. از مجموعه ۹۱ نفر جامعه آماری فرماندهان و رؤسا ۸۲ نفر معادل ۹۰/۱۱ درصد به پرسشنامه‌های ارسالی پاسخ داده‌اند.
- درصد فراوانی عناوین شغلی دانش آموختگان عبارت است از: رئیس /فرمانده کلانتری و پاسگاه ۵۲/۶ درصد، افسر گشت ۴۰/۲ درصد، افسر ارجاع ۷/۲ درصد. همچنین ۹۶/۹ درصد آنان بین یک تا ده سال سابقه خدمت داشته‌اند.

• درصد فراوانی سایر عناوین شغلی فرماندهان و رؤسای کلانتری و پاسگاه عبارت است از؛ افسر گشت ۶۳/۴ درصد، افسر ارجاع ۲۵/۶ درصد، مسئول مرکز فرماندهی و کنترل ۱۱ درصد، همچنین حدود ۷۲ درصد آنان بین ۱۰-۳۰ سال سابقه خدمت داشته‌اند.

ب) نتایج مقایسه توصیفی بین دیدگاه دانش آموختگان و فرماندهان و رؤسای کلانتری و پاسگاه‌ها:

۱- دو جامعه آماری در مورد میزان انطباق محتوای موضوعات مختلف درسی با وظایف شغلی با هم اختلاف نظر دارند.

۲- کمترین اختلاف نظر نسبی به ترتیب در موضوعات حقوقی، کارورزی و انتظامی است.

۳- در مجموع رؤسا و فرماندهان کلانتری و پاسگاه با میانگین ۴/۸۱ و دانش آموختگان با میانگین ۴/۵۷ نظر خود را در مورد محتوای روانی - حرکتی و شناختی اعلام کرده‌اند که این موضوع بیانگر آن است که فرماندهان و رؤسا در مورد انطباق محتوای برنامه درسی با وظایف شغلی دیدگاه مثبت‌تری دارند. البته معنی دار بودن این نظریه به آزمون‌های آماری استنباطی نیاز دارد که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود.

ج) یافته‌های تحلیلی:

در این بخش سؤال‌های تحقیق با استفاده از فرضیه آماری و آزمون  $t$  تک نمونه‌ای و همچنین سؤال آخر با استفاده از آزمون لوین مورد تحلیل استنباطی قرار می‌گیرد.

• برنامه درسی مصوب دوره کارشناسی انتظامی از نظر میزان انطباق محتوای آموزشی روانی - حرکتی با وظایف شغلی تا چه حدی اثربخش است؟

جدول ۳: نتایج آزمون  $t$  تک نمونه‌ای برای بررسی میزان انطباق محتوای حیطة روانی حرکتی با وظایف شغلی

شرح	تعداد جامعه (نمونه)	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	آماره $t$	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
سؤال اول	۹۷	۴/۵۱۶۰	۰/۷۵۹۱۲	۰/۵۱۶۰	۶/۶۹۵	۹۶	۰/۰۰۰



داده‌های جدول مذکور نشان می‌دهد که آماره  $t$  محاسبه شده برابر  $(t=۶/۶۹۵)$  از جدول  $(۱/۹۶)$  کوچکتر است و همچنین سطح معناداری کوچک تر از ۵ درصد است، بنابراین با احتمال ۹۵ درصد فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_A$  تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر انطباق محتوای آموزشی حیطه روانی - حرکتی با وظایف شغلی در حد متوسط بالا اثربخش است.

- برنامه درسی مصوب دوره کارشناسی انتظامی از نظر میزان انطباق محتوای آموزشی حیطه شناختی با وظایف شغلی، تا چه حدی اثربخش است؟

جدول ۴: نتایج آزمون  $t$  تک نمونه ای برای بررسی میزان انطباق محتوای حیطه شناختی با وظایف شغلی

شرح	تعداد جامعه (نمونه)	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	آماره $t$	درجه آزادی	سطح معنی داری
سؤال دوم	۹۷	۴/۵۸۶۳	۰/۶۲۸۷۲	۰/۵۸۶۳	۹/۱۸۴	۹۶	۰/۰۰۰

داده‌های جدول مذکور نشان می‌دهد که آماره  $t$  محاسبه شده برابر  $(t=۹/۱۸۴)$  از جدول  $(۱/۹۶)$  کوچک تر است و همچنین سطح معنا داری کوچک تر از ۵ درصد است، بنابراین با احتمال ۹۵ درصد فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_A$  تأیید می‌شود. به عبارت دیگر انطباق محتوای آموزش حیطه شناختی با وظایف شغلی در حد متوسط بالا اثربخش است.

- برنامه درسی مصوب دوره کارشناسی انتظامی مصوب تا چه حد با رویکرد پلیس جامعه‌محور (مشارکت و ارتباطات اجتماعی) منطبق است؟

جدول ۵: نتایج آزمون  $t$  تک نمونه ای برای بررسی میزان انطباق برنامه درسی با رویکرد پلیس

جامعه‌محور (مشارکت و ارتباطات اجتماعی)

شرح	تعداد جامعه (نمونه)	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	آماره $t$	درجه آزادی	سطح معنی داری
سؤال سوم	۹۷	۴/۱۶۱۷	۰/۹۱۳۳۵	۱۶۱۷	۱/۷۴۴	۹۶	۰/۰۸۴

داده‌های جدول مذکور نشان می‌دهد که آماره  $t$  محاسبه شده برابر  $(t=۱/۷۴۴)$  از جدول  $(۱/۹۶)$  بزرگ تر است و همچنین سطح معناداری کوچک تر از ۵ درصد است،



بنابراین با احتمال ۹۵ درصد فرض  $H_0$  تأیید و فرض  $H_A$  رد می‌گردد. یعنی برنامه درسی با رویکرد پلیس جامعه‌محور (مشارکت و ارتباطات اجتماعی) منطبق نیست.

- برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی مصوب تا چه حد با رویکرد پلیس جامعه‌محور (رویکرد حل مسئله) منطبق است؟

جدول ۶: نتایج آزمون  $t$  تک نمونه ای برای بررسی میزان انطباق برنامه درسی با رویکرد پلیس جامعه‌محور (حل مسئله)

شرح	تعداد جامعه (نمونه)	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	آماره $t$	درجه آزادی	سطح معنی داری
سؤال چهارم	۹۷	۴/۲۸۸۷	۰/۸۸۱۴۳	۰/۲۸۸۷	۳/۲۲۵	۹۶	۰/۰۲

داده‌های جدول مذکور نشان می‌دهد که آماره  $t$  محاسبه شده برابر ( $t=۳/۲۲۵$ ) از  $t$  جدول (۱/۹۶) بزرگ تر است و همچنین سطح معنا داری کوچک تر از ۵ درصد است لذا با احتمال ۹۵ درصد فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_A$  تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر برنامه درسی با رویکرد پلیس جامعه‌محور در حد متوسط پایین منطبق است.

- آیا بین نظرات رؤسای کلانتری، فرماندهان پاسگاه‌ها و دانش آموختگان در مورد محتوای برنامه درسی مصوب تفاوت معنی داری وجود دارد؟

جدول ۷: نتایج آزمون مقایسه تفاوت بین نظرات دانش آموختگان و رؤسای کلانتری و پاسگاه‌ها در مورد محتوای برنامه درسی

عنوان جامعه (نمونه)	تعداد جامعه (نمونه)	میانگین	انحراف معیار	آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها			آزمون $t$ برای برابری میانگین‌ها		
				مقدار $F$	سطح معنی داری	مقدار $t$	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین
رؤسا و فرماندهان	۸۲	۴/۸۱۸۰	۰/۵۹۲۸۴	۰/۳۲۱	۰/۵۷۲	۲/۶۹۲	۱۷۷	۰/۰۰۸	۰/۲۴۵۰
دانش آموختگان	۹۷	۴/۵۷۳	۰/۱۱۸۲۸	-	-	۲/۷۰۱	۱۷۴/۱۸۴	۰/۰۰۸	۰/۲۴۵۰



داده‌های جدول مذکور شامل دو بخش می‌باشد. بخش اول مربوط به آزمون تساوی واریانس‌ها و بخش دوم مربوط به آزمون تساوی میانگین‌های دو جامعه برای دو حالت تساوی و عدم تساوی واریانس‌ها می‌باشد. در بخش اول با توجه به اینکه سطح معنی‌داری مربوط به آزمون لوین برابر با  $0/572$  و بزرگ‌تر از سطح معناداری  $5\%$  می‌باشد در نتیجه فرض برابری واریانس‌ها ( $H_0$ ) تأیید می‌شود. بنابراین از سطر اول برای بررسی مقایسه میانگین دیدگاه‌های رؤسا و دانش‌آموختگان استفاده می‌کنیم. در سطر اول با توجه به اینکه سطح معناداری مربوط به آزمون میانگین‌ها  $0/008$  و کمتر از  $5\%$  است پس ادعای عدم تساوی دیدگاه‌های رؤسا و دانش‌آموختگان (A) تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر با احتمال  $95\%$  درصد می‌توان گفت که دیدگاه رؤسا و دانش‌آموختگان در مورد محتوای برنامه درسی با هم تفاوت معناداری دارد، یعنی رؤسا و فرماندهان در مورد محتوای برنامه درسی نظرات مثبت‌تری دارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

محتوای یکی از عناصر اصلی برنامه درسی می‌باشد. همچنین این عنصر یکی از اجزای اصلی الگوی برنامه درسی کر می‌باشد که به عنوان مبنای ادبیات نظری تحقیق در نظر گرفته شده است. با توجه به یافته‌های تحقیق میزان انطباق این عنصر با وظایف شغلی و رویکرد پلیس جامعه‌محور به شرح زیر می‌باشد:

۱- محتوای حیطه روانی - حرکتی شامل دو موضوع انتظامی و کارورزی می‌باشد که دانش‌آموختگان انطباق محتوای انتظامی را با وظایف شغلی در حد متوسط پایین و محتوای کارورزی را در حد متوسط بالا ارزیابی کرده‌اند. همچنین با توجه به میانگین محتوای روانی - حرکتی ( $4/51$ ) و نتایج آزمون  $t$  تک نمونه‌ای جدول شماره چهار این میانگین تفاوت معناداری با میانگین مورد مقایسه دارد. به عبارت دیگر انطباق محتوای آموزشی روانی - حرکتی با وظایف شغلی در حد متوسط بالا اثربخش است. همچنین محتوای حیطه شناختی شامل هشت موضوع: انتظامی، حقوقی، روان‌شناسی، علوم اجتماعی، پزشکی قانونی، جغرافیا، روش تحقیق و زبان تخصصی می‌باشد که دانش‌آموختگان میزان انطباق محتوای حقوقی با وظایف شغلی را در حد زیاد، جغرافیا را در حد کم و سایر موضوعات را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. با توجه به میانگین محتوای

شناختی (۴/۵۸) و نتایج اجرای آزمون t تک نمونه‌ای جدول شماره پنج، این میانگین تفاوت معناداری با میانگین مورد مقایسه دارد. به عبارت دیگر انطباق محتوای آموزشی شناختی با وظایف شغلی در حد متوسط بالا اثربخش است. با توجه به اینکه انطباق محتوای روانی - حرکتی و شناختی با وظایف شغلی در حد متوسط بالا می‌باشد به نظر می‌رسد برنامه‌ریزان آموزشی و درسی دانشگاه اصول کلی انتخاب محتوا که (ملکی، ۱۳۸۸، موسی پور، ۱۳۸۲ و لوی ۱۳۶۹) در بخش ادبیات تحقیق به آن اشاره شده است را رعایت کرده‌اند. البته در این انتخاب اصل سودمندی یا آمادگی شغلی برای آینده و دیگر فعالیت‌های سازمانی بیشتر مدنظر بوده است. همان طوری که در جدول شماره یک قید شده است، مجموع ساعات در نظر گرفته شده برای آموزش این محتوا با سرفصل‌های دوره کارشناسی انتظامی ۱۵۸۴ ساعت است که ۷۲ درصد آن نظری و ۲۸ درصد آن عملی می‌باشد و با توجه به اینکه یکی از ملاک‌های انتخاب محتوای شناختی در این تحقیق نظری بودن درس و یکی از ملاک‌های انتخاب مهارتی بودن، عملی بودن آن می‌باشد. می‌توان گفت محتوا یا رئوس برنامه درسی دوره جهت‌گیری نظری یا شناختی دارد و این تقریباً بر خلاف هدف دوره است که بیان می‌کند؛ «هدف دوره کسب دانش، بینش و مهارت‌های لازم در زمینه‌های مختلف مأموریت‌های انتظامی بر مبنای شرح شغل در سطح کارشناسی است.» (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۴). زیرا انجام وظایف شغلی به مهارت‌های عملی بیشتر از مطالب نظری نیازمند است. در نتیجه لازم است با توجه به تحلیل مشاغل در این زمینه بازنگری مناسب صورت گیرد تا اثربخشی برنامه در حد زیاد و بالاتر افزایش یابد. نتایج یک تحقیق با عنوان «بررسی اثربخشی برنامه‌های آموزشی در عملکرد دانشجویان دانشکده پلیس انتظامی» به این نتیجه رسیده است که بین برنامه‌های آموزشی دانشکده پلیس انتظامی و ارتقای سطح عملکرد دانشجویان در شغل پلیسی و همچنین انطباق سریع با محیط کار توسط دانشجویان رابطه وجود دارد. هر چند این تحقیق کلی و حد رابطه آن مشخص نیست اما بیشتر ناظر بر محتوای برنامه درسی است و تقریباً با نتایج این تحقیق در مورد عنصر محتوا مشابه است (زمانی، ۱۳۸۴).

۲- مؤلفه های اصلی رویکرد پلیس جامعه‌محور در این تحقیق مشارکت و ارتباطات اجتماعی و حل مسئله می‌باشد. نتایج این رویکرد نشان داد که دانش آموختگان در



مجموع اعلام کرده‌اند که برنامه درسی دوره در حد متوسط پایین مهارت‌های مشارکت و ارتباطات اجتماعی را در آنها به وجود آورده است و در این میان گویه‌های مربوط به توانایی همکاری با مؤسسات و سازمان‌های غیردولتی، توانایی ارتباط سازنده با بیماران روانی و توانایی ارتباط سازنده با معلولان جسمی و ذهنی در حد وظایف شغلی، در حد کم ارزیابی شده است. همچنین با توجه به میانگین به دست آمده از مهارت‌های مشارکت و ارتباطات اجتماعی (۴/۱۶) و نتایج آزمون t تک نمونه‌ای جدول شماره شش، این میانگین تفاوت معناداری با میانگین مورد مقایسه ندارد. به عبارت دیگر برنامه درسی با رویکرد پلیس جامعه‌محور (مشارکت و ارتباطات اجتماعی) منطبق نیست. اما در مورد مهارت‌های مربوط به رویکرد حل مسئله دانش آموختگان اعلام کرده‌اند که برنامه درسی دوره در حد متوسط پایین مهارت‌های حل مسئله را در آنها بوجود آورده است و در این میان گویه‌های مربوط به مهارت ارتباط دادن بین مثلث حل مسئله (موقعیت، مجرم و قربانی) از همه گویه‌ها کمتر است در حالی که این موضوع در تحلیل مسائل انتظامی اهمیت زیادی دارد. همچنین با توجه به میانگین به دست آمده از گویه‌های رویکرد حل مسئله (۴/۲۸) و نتایج آزمون t تک نمونه‌ای جدول شماره ۷، این میانگین تفاوت معناداری با میانگین مورد مقایسه دارد. به عبارت دیگر برنامه درسی با رویکرد حل مسئله پلیس جامعه‌محور در حد متوسط پایین منطبق است. همان‌طوری که در بخش مبانی نظری تحقیق توسط (بیات، ۱۳۸۷ و وروایی، ۱۳۸۴) عنوان شد، تغییرات مثبت زیادی در ابعاد راهبردی و سازمانی رویکرد پلیس جامعه‌محور در ناجا به وجود آمده است لذا لازم است همگام با این تغییرات، ابعاد تاکتیکی نیز که مبتنی بر ارتقای شیوه‌های مشارکت، تعامل مثبت و رویکرد حل مسئله است در آموزش و برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی مدنظر قرار گیرد. نتایج مربوط به مهارت‌های مشارکت اجتماعی رویکرد پلیس جامعه‌محور این پژوهش تا حدی با بخشی از نتایج تحقیق د چارلز و مورین از دانشگاه کارولینای شمالی در مورد عدم آگاهی کافی مأموران پلیس با رویکرد پلیس جامعه‌محور مطابقت دارد (چو، ۱۳۸۵).

۳- در مورد دیدگاه دانش آموختگان و رؤسای کلانتری و پاسگاه‌ها در مورد محتوای برنامه درسی، نتایج به این صورت است که هر دو گروه در حد متوسط بالا محتوای دوره را برای انجام وظایف شغلی، مطلوب می‌دانند. اما این نظرات اندکی با هم متفاوت است،

بنابراین میانگین جامعه رؤسا و فرماندهان (۴/۸۱) و جامعه دانش آموختگان (۴/۵۷) است در نتیجه فرماندهان و رؤسا در مورد محتوای برنامه درسی نظرات مساعدتری دارند. علاوه بر این نتایج آزمون  $t$  و لوین نشان داد که این میانگین‌ها تفاوت معناداری با میانگین مورد مقایسه دارد. بنابراین می‌توان گفت که تفاوت بین دو گروه در مورد محتوای برنامه درسی معنادار است. در مورد تحلیل علل دیدگاه کمتر مثبت دانش آموختگان در مقایسه با رؤسا و فرماندهان می‌توان گفت که دانش آموختگان هم در مورد محتوا و هم در مورد تطابق برنامه با رویکرد پلیس جامعه‌محور نظر داده اند و با توجه به اینکه دیدگاه آنان در مورد مهارت‌های مشارکت و ارتباطات اجتماعی نسبتاً منفی بوده است، احتمالاً این دیدگاه منفی در مورد محتوا هم تا اندازه‌ای تأثیرگذار بوده است. همچنین فرماندهان و رؤسا نسبت به دانش آموختگان تجارب خدمتی بیشتری دارند و خود به هنگام اجرای کارورزی که بخشی از محتوای برنامه است نقش استاد و دانش آموختگان نقش دانشجو داشته‌اند و در نتیجه احتمالاً فرماندهان و رؤسا به هنگام اجرای پرسش‌نامه، گویه‌های مربوط به کارورزی را بالاتر ارزیابی کرده‌اند که این موضوع در دیدگاه مثبت‌تر آنها نقش داشته است. در مجموع می‌توان گفت که محتوای برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی - گرایش عملیات انتظامی در حد متوسط بالا با وظایف شغلی و در حد متوسط پایین با رویکرد پلیس جامعه‌محور منطبق است.

### پیشنهادها

- ۱- با توجه به تأکید دوره کارشناسی انتظامی بر انجام وظایف شغلی، محتوای حیطه روانی - حرکتی افزایش یابد و از محتوای شناختی برنامه که (۷۲ درصد) است کاسته شود و یا حداقل همطراز شود.
- ۲- با تحلیل شرح وظایف شغلی به ویژه در سطح روانی - حرکتی، عناوین و رؤوس هر درس با وظایف شغلی انطباق بیشتری داده شود.
- ۳- محتوای دروس جغرافیا مورد بازنگری قرار گیرد تا علت عدم تطابق نسبی آن با وظایف شغلی روشن شود.



۴- نوع تکالیف و موضوعاتی که می‌بایست دانشجویان در هنگام اجرای کارورزی انجام دهند در سرفصل درس مذکور قید گردد و صرفاً به قید محل جغرافیایی و نام واحد انتظامی اکتفا نشود.

۵- مهارت‌ها و توانایی‌های ارتباطی کار با سازمان‌های غیردولتی، ارتباط سازنده با بیماران روانی و معلولان جسمی و ذهنی و در مجموع مهارت‌های مربوط به مشارکت و ارتباطات اجتماعی به هنگام تدوین و بازنگری محتوای برنامه درسی مورد توجه بیشتری قرار گیرد تا این مهارت‌های جامعه‌محوری پلیس به بالاتر از متوسط ارتقا یابد.

۶- با توجه به اینکه یکی از وظایف اصلی پلیس حفظ نظم و امنیت جسمانی و روانی و... افراد جامعه است؛ لذا اجرای آموزش و برنامه درسی آن نیز می‌بایست از معیار بسیار بالایی برخوردار باشد در حالی که طبق نتایج این پژوهش در حد متوسط می‌باشد که لازم است به بالاتر از آن ارتقا یابد.

۷- همگام با تغییرات محتوایی در برنامه درسی، دانش، نگرش و مهارت‌های اعضای هیئت علمی و مدرسان دانشگاه علوم انتظامی به ویژه در روش‌ها و فنون تدریس نوین از طریق تشکیل کارگاه‌های آموزشی ارتقا یابد.

۸- برای تحقق و اجرایی کردن پیشنهادهای مذکور تیمی متشکل از: متخصصان برنامه‌ریزی درسی، متخصصان موضوعی، روان‌شناس تربیتی، رئیس گروه آموزشی مربوطه و معاون آموزش در دانشگاه علوم انتظامی تشکیل و بر فرآیند بازنگری برنامه درسی دوره کارشناسی انتظامی - گرایش عملیات انتظامی نظارت کنند.

## منابع

- اتکینسون، ان (۱۳۸۵). پلیس جامعه‌محور در مدرسه. ترجمه سروش بهربر، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- اُکیفی، جیمز (۱۳۸۷). آموزش افسران جدید. ترجمه عباس فرد قاسمی، تهران: ناشر معاونت آموزش ناجا، دفتر تحقیقات کاربردی.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۷). ارزشیابی آموزشی. تهران: انتشارات سمت.
- بیات، بهرام و همکاران (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور (پیشگیری اجتماعی از جرم). تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.
- ترویانوویچ، رابرت؛ باکوروکس، بانی (۱۳۸۳). پلیس جامعه‌محور. ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا. تهران: انتشارات فراست.
- تیموری، چنگیز (۱۳۸۲). بررسی اثربخشی دوره‌های کارورزی کارشناسی ناجا بر فعالیت های فارغ التحصیلان دوره‌های کارشناسی. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- چو، جیم (۱۳۸۵). فناوری اطلاعات و پلیس. ترجمه فروهر دزفولیان، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تحقیقات ناجا.
- حاجی مقصود، محسن (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی برنامه‌های آموزشی (دروس تخصصی) در عملکرد دانشجویان ناپوسته دانشکده پلیس راهور در سال تحصیلی ۸۵-۸۴. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- دلاور، علی (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- دلاور، علی (۱۳۷۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- رایبیز، استیفن (۱۳۸۸). تئوری سازمان، ساختار و طرح سازمانی. ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی فرد. تهران: انتشارات صفار.
- زمانی، علی نقی (۱۳۸۴). بررسی اثربخشی برنامه‌های آموزشی در عملکرد دانشجویان دانشکده پلیس انتظامی. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- ستاد کل نیروهای مسلح (۱۳۸۷). اساسنامه دانشگاه علوم انتظامی ناجا. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۷). چند مبحث اساسی در برنامه‌ریزی درسی. تهران: انتشارات سمت.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۶). مهارت‌های آموزشی، روشها و فنون تدریس. جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
- عارفی، محبوبه (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.



- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی آموزشی ضمن خدمت کارکنان. تهران: انتشارات سمت.
- کلاین، فرانسیس (۱۳۶۹). استفاده از یک مدل تحقیقاتی به عنوان راهنمای فرآیند برنامه‌ریزی درسی. ترجمه محمود مهرصمدی، تهران: فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۲۱.
- گال، مردیت؛ بورگ، والت؛ گال، جوینس (۱۳۸۷). روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی. جلد اول، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و سمت.
- ملکی، حسن (۱۳۸۸). مقدمات برنامه‌ریزی درسی. تهران: انتشارات سمت.
- ملکی، حسن (۱۳۷۹). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). چاپ دوم. مشهد: انتشارات پیام اندیشه.
- مهرمحمدی، محمود و همکاران (۱۳۸۷). برنامه درسی، نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازها. ویراست دوم، تهران: انتشارات سمت.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳). برنامه درسی: نظرگاه‌ها، چشم اندازها. چاپ دوم، تهران: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
- موسی پور، نعمت اله (۱۳۸۲). مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه. مشهد: آستان قدس رضوی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- میس، ادوین؛ اورتمایر، پی، جی (۱۳۸۵). رهبری، اصول اخلاقی و امور پلیس، چالش‌های پیش روی پلیس در قرن بیست و یکم. تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- معاونت طرح و برنامه بودجه دانشگاه علوم انتظامی (۱۳۹۲). سند راهبردی دانشگاه علوم انتظامی. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- نادری، عزت اله؛ سیف نراقی، مریم (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران: انتشارات ارسباران.
- نوروززاده، رضا؛ فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۷). درآمدی بر برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی. تهران: انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی عالی.
- نصر، احمدرضا؛ اعتماد زاده، هدایت اله؛ نیلی، محمدرضا (۱۳۸۶). برنامه درسی و طراحی درس در دانشگاه‌ها. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
- هابرفیلد، ام، آر (۱۳۸۶). مسائل حیاتی در آموزش پلیس. ترجمه احسان جنابی. تهران: انتشارات سازمان مطالعات و تحقیقات ناجا.
- هس، کارن ام؛ میلر، لیندا اس (۱۳۸۲). پلیس در اجتماع، راهبردهایی برای قرن بیست و یکم. ترجمه محمدرضا کلهر و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.



- وروایی، اکبر (۱۳۸۴). پلیس جامعه‌محور، مطالعه تطبیقی شیوه های جلب مشارکت مردمی در تأمین نظم عمومی و امنیت اجتماعی. تهران: ناشر، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، معاونت سیاسی.
- وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری (۱۳۸۴). مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی انتظامی. تهران.
- ویزبرد، دیوید؛ براگه، آنتونی ای (۱۳۸۸). چشم اندازها در نوآوری پلیس. ترجمه حسین ملانظر، تهران: انتشارات سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- Daley , Dennis M(2002). Strategic human resorce nagement , people and performance management in the public setor , America , practice Hall.
- Kratcoski, Peter. Das, Dilipk (2007) Police Education and training in a global Society, American and United Kingdom, Lenington books.
- Leishman, Frank. Loveday, Barry. Sarage, StephenP (2000). Core Issues InPolicing.Second education, England, Pearson Educatio Longman.
- Mcneil, John D (2006). Contemporary Curriculum in thought and action.
- Hamilton Printing, University of California, Losangeles.
- Oliver, Willard M (2000). Community Policing, Classical reading, America, Prentice Hall.
- Scott, Michaels (2006). Implementing Prevention: Lesson Learned from Problem-oriented Policing Projects. rim Prevention Studies, Volume 20,pp.9-35.
- Wolf, Peter. Hill, Art, Evers, Fred (2006). Handbook for Curriculum. University of Guelph, Guelph, Ontario, Canada.